

درس سوم: آزادی

۱. نالهٔ مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتارِ قفس، هم‌چو من است

قلمرو زبانی: بهر: برای / *مسلک: روش، طریق / بیت: دو جمله / ناله و مسلک: هر دو نقش نهاد / وطن: نقش متمم.

قلمرو ادبی: ناله: استعاره از شعر / مرغ اسیر: استعاره از شاعر / اسیر و مرغ و گرفتار و قفس: مراعات نظیر / مصراع دوم: تشبیه / واج آرایی مصوّت «ه» / مرغ در مصراع دوم: تشخیص؛ زیرا روشی مانند شاعر دارد / مسلک مرغ: اضافهٔ استعاری.

قلمرو فکری: ناله و اشعار من شاعر، همه برای وطن است. پرندۀ اسیر قفس هم مثل من به خاطر محروم شدن از آزادی می‌نالد.

۲. همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی: همت: اراده، عزم؛ در این بیت به معنای «یاری و کمک» / *طرف: کناره، کنار / بیت: سه جمله / همت و خبر: هر دو نقش مفعول

قلمرو ادبی: از باد سحر همت طلبیدن: تشخیص و کنایه از درخواست کمک / باد سحر: نماد پیام‌رسانی میان عاشق و معشوق / چمن: استعاره از سرزمین ایران / من و چمن: جناس ناقص افزایشی / به طرف چمن بودن: کنایه از آزاد بودن / باد و خبر: مراعات نظیر.

قلمرو فکری: از باد سحر درخواست می‌کنم که خبری از من به دوستان مبارزم که آزاد هستند، برساند.

۳. فکری ای هم‌وطنان، در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

قلمرو زبانی: هم‌وطنان: نقش منادا / بیت: چهار جمله / فکر: نقش مفعول / فکر در مصراع دوم به قرینهٔ لفظی حذف شده‌است.

قلمرو ادبی: هر کس فکری برای آزادی‌اش نکند مثل من است: تشبیه / فکری کردن: کنایه از چاره‌جویی و اقدام به انجام کاری.

قلمرو فکری: ای هم‌وطنان! برای آزادی خود و وطن‌تان چاره‌ای بیندیشید؛ زیرا هر کس فکر چاره‌ای نباشد، مانند من گرفتار می‌شود.

۴. خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌ال‌حزن است

قلمرو زبانی: کاو: مخفّف که او / *اجانب: جِ اجنبی، بیگانگان / *بیت‌ال‌حزن: خانهٔ غم، ماتمکده / «ش» در ویران کنش: نقش مفعول.

قلمرو ادبی: خانه: استعاره از کشور ایران / تلمیح به داستان یوسف و یعقوب / مصراع دوم: آرایهٔ اغراق / خانه: آرایهٔ تکرار / آباد و ویران: تضاد / دست: مجاز از کمک / اشک و بیت‌ال‌حزن: مراعات نظیر / خانه مانند بیت‌ال‌حزن: تشبیه.

قلمرو فکری: کشوری که به دست بیگانگان آباد شود، باید به حالش گریه کرد و آن را با اشک ویران نمود؛ زیرا آنجا خانهٔ غم و اندوه است.

۵. جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی: کاو: مخفّف که او / بهر: برای / وطن: نقش متمم / بدر: پاره کن / ننگ: رسوایی، بدنامی / کم: کمتر، کم‌ارزش تر / بیت: چهارجمله

قلمرو ادبی: جامه و کفن: تناسب / جامه: مجاز از وجود و تن / جامه: آرایهٔ تکرار / مصراع اول: کنایه از شهید شدن / مصراع دوم: کنایه از کم‌ارزشی

قلمرو فکری: لباسی را که در راه وطن خون‌آلود نگردد، باید پاره کرد. چون مایهٔ رسوایی و کم‌ارزش‌تر از کفن است.

۶. آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی: آن کس: منظور محمدعلی‌شاه قاجار / ملک: سرزمین / سلیمان کردیم: پادشاه ساختیم / اهرمن: مخفّف اهریمن، شیطان.

قلمرو ادبی: سلیمان: نماد پادشاهی و قدرت / تلمیح به داستان حضرت سلیمان / سلیمان کردن: کنایه از به پادشاهی رساندن / سلیمان و اهرمن: تضاد / محمدعلی‌شاه مانند اهرمن: تشبیه / ملک و سلیمان و اهرمن: مراعات نظیر (تناسب).

قلمرو فکری: مردم امروز یقین پیدا کرده‌اند که آن کسی را (محمدعلی‌شاه قاجار) که به پادشاهی رساندیم، در حقیقت شیطانی پلید است.

درس سوم: دفتر زمانه

۱. هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

قلمرو زبانی: هرگز و آری: هر دو نقش قید / کم و بیش: نیازهای مادی / غم نداشت: غصه نمی خورد / که: زیرا / بیت: چهار جمله / حذف نهاد «دلم» در مصراع دوم به قرینه لفظی / نداشت غم: شیوه بلاغی / بیش و کم در مصراع دوم: نقش مضاف الیه.

قلمرو ادبی: دل: مجاز از خود شاعر / دل غم داشته باشد: تشخیص / غم: آرایه تکرار / کم و بیش: تضاد / کم و غم: جناس ناقص اختلافی / کم و بیش با بیش و کم: آرایه قلب یا عکس.

قلمرو فکری: هرگز در فکر و غصه کم و زیاد بودن مال نبوده ام. به خاطر همین بی توجهی به مادیات، غم و اندوه نداشته ام.

۲. در دفتر زمانه فند نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

قلمرو زبانی: فند: مخفف فند / صاحب قلم: اندیشمند، هنرمند / بیت: دو جمله / نام و ملت: نقش نهاد / «ش» در نامش: نقش مضاف الیه.

قلمرو ادبی: دفتر زمانه: اضافه تشبیهی / دفتر و قلم و صاحب قلم: مراعات نظیر / قلم: مجاز از اندیشه / از قلم افتادن: کنایه از فراموش شدن / صاحب قلم: کنایه از اندیشمند و هنرمند / واج آرای «م».

قلمرو فکری: کشوری که انسان های متفکر و هنرمند نداشته باشد، به مرور زمان از صفحه روزگار حذف می شود (نابود می شود).

۳. در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

قلمرو زبانی: پیشگاه: مقابل درگاه و آستان / اهل خرد: خردمندان / فکر جامعه: آرای اکثریت جامعه / بیت: دو جمله / محترم: نقش مسند.

قلمرو ادبی: پیشگاه: مجاز از دیدگاه و نظر / جامعه: مجاز از مردم جامعه / واج آرای «ک» «ر».

قلمرو فکری: هر کس به فکر مردم جامعه احترام نگذارد، خردمندان نیز او را شایسته احترام نمی دانند.

۴. با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

قلمرو زبانی: تهی: خالی / ما را: برای ما (ما: نقش متمم) / فراغت: آسودگی، آسایش / جم: پادشاه بزرگ، مخفف جمشید / بیت: سه جمله.

قلمرو ادبی: مصراع اول: لف و نشر مرتب و کنایه از فقیر بودن و خوش نبودن / تلمیح به داستان پادشاهی جمشید / جام و جم - مال و ما: جناس ناقص افزایشی / جام و می - جیب و مال - جام و جم و جمشید: مراعات نظیر / واج آرای «م» / مال: مجاز از ثروت / می: مجاز از خوشی / جام: ایهام تناسب: ۱. ظرف شراب (۷) ۲. جام جهان نمای جمشید (X) که با جمشید تناسب دارد.

قلمرو فکری: با اینکه زندگی ساده و فقیرانه ای دارم، ولی آرامشی در زندگی دارم که جمشید با آن همه خوشی و ثروت، نداشت.

۵. انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی، موافق ثابت قدم نداشت

قلمرو زبانی: موافق: همراه / ثابت قدم: ثابت رأی و ثابت عزم، دارای اراده قوی / انصاف و عدل: رابطه مترادف / بیت: دو جمله.

قلمرو ادبی: فرخی: تخلص (آوردن نام شاعر) / چون فرخی: تشبیه / موافق: آرایه تکرار / داشت و نداشت: تضاد / مصراع اول: تشخیص.

قلمرو فکری: بسیاری با عدالت و انصاف همراه و موافق بودند؛ ولی هیچکس مانند من (فرخی) در راه تحقق آن، بااراده و ثابت قدم نبود.

کارگاه متن پژوهی درس سوم

قلمرو زبانی:

① معنای واژه «همت» را در بیت های زیر بررسی کنید.

□ الف) همت اگر سلسله جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود ← عزم، اراده، خواهش، انگیزه و آرزو.

(*) سلسله جنبان: محرک، آن که دیگران را به کاری برمی انگیزد.

□ ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم ← دعا با صمیم قلب و توجه باطنی.

② در کدام بیت ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

❖ [من] همت از باد سحر می طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

✓ ← «من» که نقش نهاد دارد، در جمله اول به قرینه لفظی حذف شده است.

❖ فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس [فکری] نکند، مثل من است

✓ ← «فکری» که نقش مفعول دارد، در مصراع دوم به قرینه لفظی حذف شده است.

- ❖ خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که [آن خانه] بیت‌الْحَزَن است
- ✓ ← «آن خانه» که نقش نهاد دارد، در جمله پایانی بیت به قرینه لفظی حذف شده است.
- ❖ جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بِدَر آن جامه که [آن جامه] ننگ تن [است] و [آن جامه] کم از کفن است
- ✓ ← «آن جامه» که نقش نهاد دارد و «است» که فعل اسنادی می‌باشد در مصراع دوم به قرینه لفظی حذف شده‌اند.
- ❖ آن کسی را که [ما] در این مُلک، سلیمان کردیم / مَلّت امروز یقین کرد که او اهرمن است
- ✓ ← «ما» که نقش نهاد دارد، در جمله اوّل به قرینه لفظی حذف شده است.
- ❖ هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری [دلم] نداشت غم که [دلم] غم بیش و کم نداشت
- ✓ ← «دلم» که نقش نهاد دارد، در مصراع دوّم به قرینه لفظی حذف شده است.
- ❖ با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم [آن فراغت را] نداشت
- ✓ ← «آن فراغت را» که نقش مفعول دارد، در جمله پایانی بیت به قرینه لفظی حذف شده است.
- ❖ انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی / چون فرّخی [انصاف و عدل] موافق ثابت‌قدم نداشت
- ✓ ← «انصاف و عدل» که نقش نهاد دارد، در مصراع دوّم به قرینه لفظی حذف شده است.

قلمرو ادبی:

- ❶ کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.
 - ❑ (الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس، هم‌چو من است
 - ✓ ← مرغ اسیر: معنای مجازی دارد؛ زیرا منظور «شاعر» است؛ اما مرغ گرفتار در معنای واقعی به کار رفته است.
 - ❑ (ب) نشاط غربت از دل کی بُرد حبّ وطن بیرون / به تخت مصرم اما جای در بیت‌الْحَزَن دارم
 - ✓ ← بیت‌الْحَزَن: معنای مجازی دارد؛ زیرا منظور «دل» هر عاشق مهجور و دورافتاده‌ای است. ****
 - ❑ (ج) در بیت‌الاحزان در آمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید. (*بیت‌الاحزان: خانه غم‌ها، جای بسیار غم‌انگیز، طبق روایات نام کلبه‌ای است که حضرت یعقوب (ع) در آن در غم فراق یوسف (ع) گریه می‌کرده است.)
 - ✓ ← بیت‌الاحزان: در معنای واقعی به کار رفته است؛ زیرا خانه‌ای است که یعقوب در فراق یوسف در آن می‌گریست.
- ❷ با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.
 - ❑ با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است / ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
 - ❑ در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
 - ❖ (الف) درباره تلمیح به کار رفته در بیت اوّل توضیح دهید.
 - ✓ تلمیح به داستان جمشید، پادشاه ایران باستان دارد که در زمان او فراغت و آسایش برقرار بود.
 - ❖ (ب) مصراع‌های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.
 - ✓ تهی‌بودن جیب: کنایه از فقیر بودن / تهی‌بودن جام: کنایه از شاد نبودن / از قلم افتادن: کنایه از فراموش شدن.

قلمرو فکری:

- ❶ شعر «آزادی»، نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید.
 - ❑ آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم / مَلّت امروز یقین کرد که او اهرمن است
 - ✓ مردم امروز یقین پیدا کرده‌اند که آن کسی را (محمدعلی شاه قاجار) که به پادشاهی رساندیم، در حقیقت شیطانی پلید است.
 - ❑ خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الْحَزَن است
 - ✓ کشوری که به دست بیگانگان آباد شود، باید به حالش گریه کرد و آن را با اشک ویران نمود؛ زیرا آنجا خانه غم و اندوه است.
- ❷ در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟
 - ❖ (الف) رفیقی که به طرف چمن است. ✓ ← دوستان و هم‌فکران شاعر که بیرون از زندان، آزاد هستند.
 - ❖ (ب) مردم صاحب‌قلم. ✓ ← انسان‌هایی که صاحب تفکر، اندیشه و هنر هستند.

۳ به غزل‌هایی که محتوای آن‌ها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، **غزل اجتماعی** می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت.

□ از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

✓ غزل «آزادی» که یک حبسیه است؛ یعنی شاعر آن را در زندان سروده‌است، به بیان مسائل اجتماعی از قبیل: ستم حاکمان، آزادی، وطن، بیگانه‌ستیزی، بیزاری از ظلم حاکمان، دخالت بیگانگان و سلطه آنان پرداخته است.

✓ غزل «دفتر زمانه» به بیان بی‌توجهی و احترام‌نگذاشتن حاکمان به اندیشه، باورها و خواسته‌های مردم پرداخته است و از وجود نداشتن طرفداران واقعی عدل و انصاف شکایت می‌کند.

۴ فرّخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

✓ فرّخی یزدی خود را انسانی ثابت‌قدم و پایبند به عدالت و انصاف معرفی کرده‌است.

۵ با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

□ جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

□ فرّخی ز جان و دل، می‌کند در این محفل / دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

✓ مضمون مشترک هر دو بیت، فداکردن جان برای آزادی و استقلال کشور از دست بیگانگان است.

گنج حکمت: خاکریز

در لحظات اول عملیات که خطوط دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت. شهید ساجدی با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده‌دم اجرا و احداث می‌شد ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می‌گفت: «خاکریز را صبح تحویل می‌دهیم».

قلمرو زبانی: خطوط: جمع خط، جلوترین منطقه درگیری با دشمن / ارتفاعات: بلندی‌ها، تپه‌ها، کوه‌ها / موسوم: معروف، نام نهاده شده / *استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقرشدن / شهید: شاخص / *احداث شدن: ساخته شدن / خاکریز: سنگر / دو جداره: دو دیواره / قاطعیت: قاطع بودن، با قدرت عمل کردن.

قلمرو ادبی: خطوط دشمن شکسته شد: کنایه از نابود شدن / قلّه را در دست داشتند: کنایه از مسلط بودن و در اختیار داشتن / روحیه خود را نباخته بود: کنایه از امیدوار بودن و نترسیدن / تحویل دادن خاکریز: کنایه از ساختن و آماده کردن / شب و سپیده‌دم: تضاد.

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اولین دقیق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمندگان ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. او پیش‌بینی می‌کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه‌رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه‌ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به‌عنوان خاکریز دو جداره یاد می‌شود، احداث نمود.

قلمرو زبانی: عملیات: فعالیت‌های نظامی / رأس: سر، بالا، بلندی / جهادگر: جنگنده، تلاشگر، جنگجو.

قلمرو ادبی: آرام و قرار نداشتن: کنایه از تلاش، فعالیت و پُرجار بودن / قرار گرفتن زیر آتش: کنایه از مورد هدف قرار گرفتن / شب و روز: تضاد.

آن روز، با تدبیر حساب‌شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی برسند.

قلمرو ادبی: حساب‌شده: کنایه از سنجیده / شهید و رزمندگان و مقاومت: مراعات نظیر (تناسب).